

چرا آموزش ایدئولوژیک در مدرسه ناکام است؟

ناکارآمدی و ضعف روش

محسن آزموده

مدرسه در دنیای جدید متکفل انجام سه وظیفه عمده است: 1. آموزش عمومی و با سواد کردن جامعه، 2. تربیت شهروندان قانونمند و هنجارمند در نظام دولت- ملت و 3. پرورش شهروندان مطابق ایدئولوژی حاکمیت. در همه نظام‌های آموزشی مدرن، این سه کارکرد، کم و زیاد حضور دارد، اگرچه ممکن است در یک نظام آموزشی، یک یا دو تا از این کارکردها، بیشتر مورد توجه قرار گیرد و بر آنها تاکید صریح‌تری صورت گیرد. برای مثال در نظام آموزشی ما بر مساله ایدئولوژی بیش از دو عنصر دیگر تاکید میشود. این سخنان از بنیانگذار جمهوری اسلامی مشهور است که «مساله تربیت بالاتر از تعلیم است... علمی که تربیت در او نباشد، تزکیه در او نباشد، این علم فایده ندارد» (سایت جامع امام خمینی). این رویکرد تا به امروز نیز ادامه داشته است، برای نمونه محسن قرائتی، رییس ستاد اقامه نماز جمعه اخیراً در گفتاری گفته: «معلمان باید بچه‌ها را نمازخوان تربیت کنند و بدانند که دیپلم و لیسانس تارک‌الصلوه به هیچ دردی نمی‌خورد.» (سایت اعتمادآنلاین، دوم دی‌ماه 1401).

یکی از اموری که اعتراضات پاییز 1401 آشکار کرد، ناکامی مدرسه در تربیت انسان تراز حاکمیت و پرورش ایدئولوژیک است. حضور نسل نوجوان و جوان در اعتراضات، نشانه‌ای آشکار از نارضایتی آنها و ناکامی نظام آموزشی و پرورشی در اقناع ایدئولوژیک آنهاست. به این نکته بسیاری از مسوولان اشاره کردند برای مثال حجت‌الاسلام محسن قرائتی، رییس ستاد اقامه نماز گفت: «در اغتشاشات اخیر شاهد حضور برخی نوجوانان بودیم؛ یعنی نسلی که توسط معلمان جمهوری اسلامی تربیت شدند و این نشان می‌دهد که برخی معلمان ما در تربیت صحیح دانش‌آموزان، موفق نبودند.» (منبع پیشین)

همین گروه از مسوولان برای حل این مشکل بعضاً راه‌حلهایی نیز ارائه کرده‌اند، برای نمونه امام جمعه اصفهان در همایشی با حضور مدیران حوزه‌های علمیه و معاونان پرورشی گفته است: «نکته با ارزش این است

که روحانیونی را برای آموزش به مدارس اعزام کنیم که بتوانند آنچه معیار و هدف نظام و انقلاب است را به درستی به دانش‌آموزان تعلیم دهند.»

این راهکارها در حالی عرضه می‌شوند که حکومت بیش از چهل سال است آنها را می‌آزماید و معلوم هم نیست چقدر زمان نیاز دارد تا تحقق یا عدم تحقق آنها را بپذیرد. واقعیت آن است که موفقیت یا عدم موفقیت تربیت يك ایدئولوژی و باورپذیری‌اش در افکار عمومی به علل و عوامل فراوانی بستگی دارد، از جمله و مهم‌تر از هر چیزی موفقیت باورمندان به آن در تحقق اهدافشان در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی. یکی از عللی که ایدئولوژی کمونیستی به عنوان يك ایدئولوژی که دست‌کم ساختار و صورتش از غرب آمده، در سرزمین پهناوری در شرق آسیا یعنی چین همچنان حضور دارد، به رغم همه تعدیلهای صورت گرفته در فرم و محتوايش، موفقیت چشمگیر و قابل توجه حزب کمونیست چین در عرصه‌های اقتصادی و مدیریتی کشوری با بیش از يك میلیارد و چهارصد میلیون جمعیت است.

اما گذشته از تاثیر موفقیت در عرصه‌های بیرونی، روشهای آموزش يك ایدئولوژی هم اهمیت فراوان دارند. اینکه بخواهیم با در بوق و کرنا کردن و به صورت مستقیم و بیواسطه مفاهیم و آموزه‌های يك ایدئولوژی را آموزش دهیم و کماکان از ابزارهای سنتی و پیشامدرن استفاده کنیم، چنانکه تاکنون تجربه شده، نتیجه چندان‌ی در بر ندارد. آموزش یا القای باورها و عقاید ایدئولوژیک نیازمند روشها و ابزارهای پیچیده، غیرمستقیم، جذاب و روزآمد است. در مدارس کشورهای غربی اصول و عقاید تجدد مثل آثار کانت و هگل و دکارت به صورت سراسر و توسط استادان دانشگاهی قرائت نمی‌شود. حتی به گواهی آثار سینمایی و ادبی، ملال‌آورترین بخش در مدارس مذهبی مسیحی موعظه‌ها و سخنرانی‌های کشیش‌هاست. آموزش مفاهیم و آموزه‌های فلسفی و عقیدتی از جنس مضامین ایدئولوژیک و مهم‌تر از آن باورپذیر کردن آنها در اذهان انسان‌ها، نیازمند ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های فراوان است. با اعزام شماری طلبه و دانش‌آموخته حوزه به مدارس و سخنرانی آنها برای کودکان و نوجوانان هفت تا هجده‌ساله، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، حتی اگر این سخنران همچون مرحوم محمدحسن راستگو روحانی مشهور سال‌های دهه شصت از شیوه‌های خاصی برای آموزش عقاید استفاده کنند.

امروز و با گسترش چشمگیر روشها و ابزارهای ارتباطی، آموزش ایدئولوژیک به مراتب پیچیده‌تر از قبل شده و متولیان امر آموزش اگر می‌خواهند کماکان تربیت ایدئولوژیک را به عنوان اصلی‌ترین رکن آموزش در مدارس حفظ کنند، باید گذشته از اصلاح امور بیرونی و بالا

بردن کارآمدي در عرصه‌هاي اقتصادي و اجتماعي و فرهنگي و سياسي،
فکري به حال روزآمد کردن روشها و شیوه‌هاي آموزشي و تربيتي خود
کنند وگرنه پيشاپيش قافيه را باخته‌اند و نتيجه همان است که
مي‌بينيم.

من: : 1401 5